



نبرد دوگانه در شرق اروپا

انتخابات پارلمانی پیش روی مولداوی، صحنه رویارویی تازه‌ای میان بروکسل و مسکو در همسایگی اتحادیه اروپا خواهد بود. اگر کیشیناو بر خط‌مشی طرفدار اروپا باقی بماند، نشان خواهد داد که حتی یک دموکراسی کوچک هم می‌تواند در شرایط فشار فوق‌العاده به پیش حرکت کند. انتخابات پارلمانی مولداوی در ۲۸ سپتامبر در دو سطح همزمان برگزار خواهد شد: ژئوپلیتیک و داخلی.

این کشور بی‌تردید در خط مقدم تقابل بزرگ‌تر میان اتحادیه اروپا و روسیه بر سر نفوذ در منطقه قرار گرفته است. مسکو تلاش‌های مستمری را برای منحرف کردن مسیر اروپایی کیشیناو به کار بسته و مولداوی را به الگویی برای نمایش برتری نامتقارن خود بر اتحادیه اروپا بدل کرده است. در کوتاه‌مدت، روسیه نیازی به پیروزی قاطع ندارد. راهبرد «کنترل ائتلافی» آن، با هدف ایجاد یک پارلمان پراکنده یا تضعیف ائتلاف طرفدار اروپا طراحی شده است. همین میزان کافی است تا اصلاحات متوقف نشود، اداره کشور فلج گردد و مولداوی در چرخه آسیب‌پذیری گرفتار بماند.

مسکو تنها به ورود متحدانش به پارلمان نیاز دارد تا از طریق دسترسی به وزارتخانه‌های کلیدی همچون کشور، دادگستری یا اقتصاد، روند تحقق معیارهای اروپایی را کند کرده، وابستگی به گازپروم را بازگرداند و از پیگرد نخبگان فاسد جلوگیری کند. در چنین حالتی، مولداوی همچنان دموکراتیک به نظر می‌رسد و کمک‌های مالی اتحادیه اروپا ادامه خواهد یافت، اما ساختار دولت از درون تهی می‌شود. در مقابل، اتحادیه اروپا هنوز راهبرد مؤثری برای مقابله با این وضعیت ارائه نکرده است. با این حال، خطاست اگر همه چیز را به مداخله خارجی تقلیل دهیم و عاملیت خود مولداویایی‌ها را نادیده بگیریم. طنز ماجرا آن است که حزب حاکم عمل و همبستگی (PAS) به رهبری طرفداران اروپا، بیش از هر همتای منطقه‌ای خود آموخته است که چگونه حرکات روسیه را پیش‌بینی و خنثی کند. اما این حزب در جلب آرای خاکستری طرفدار دموکراسی و پاسخ‌گویی به نگرانی‌های آن‌ها هنوز توفیق‌چندانی نداشته است.

با وجود اهمیت بالای انتخابات، ۴۰ درصد از رأی‌دهندگان همچنان مردد هستند و این خود گویای کاستی هاست. مقابله مؤثر با روایت‌های مسکو باید با سیاست‌ها و پیام‌هایی همراه شود که برای رأی‌دهندگان مولداوی قابل لمس و باورپذیر باشد.

دیدارهای سطح بالای امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، دونالد توسک، نخست‌وزیر لهستان و دیگر رهبران اروپایی، نشان‌دهنده حمایت غرب از آینده اروپایی مولداوی است؛ اما این وظیفه احزاب واقعاً طرفدار اروپاست که ارزش افزوده این مسیر را برای رأی‌دهندگان خود توضیح دهند. حساب و کتاب انتخاباتی در مولداوی بی‌رحم است و نارضایتی عمومی یک واقعیت انکارناپذیر.

مسکو برای بهره‌برداری از این نارضایتی‌ها سناریوی مشخصی در اختیار دارد: نیروهای نیابتی روسیه با تزریق منابع مالی غیرقانونی، پخش اطلاعات نادرست در تلگرام و تیک‌تاک و بسیج شبکه‌های مذهبی و محلی، اروپا را به عنوان تهدیدی علیه هویت و رفاه معرفی می‌کنند. هر جهش در قیمت گاز، هر خاموشی برق، و هر شایعه درباره دیکنه‌های بروکسل، به ابزاری تبلیغاتی برای ترسیم این روایت بدل می‌شود که مولداوی در پیوند با مسکو وضع بهتری خواهد داشت.

تاکنون، دولت مایا ساندو و حزب PAS نتوانسته‌اند به شکل چشمگیری این تهدیدات ترکیبی را مهار کنند. با این همه، این موقعیت‌ها مشکلات واقعی بخش‌هایی از جامعه را از میان برده است. روستاییان نگران هزینه‌ها و محصولات کشاورزی‌اند؛ جوانان شهری از بیکاری، فساد و درآمد پایین شکایت دارند و سالمندان به دلیل مستمری اندک در فقر زندگی می‌کنند. ترس از جنگ، در انتهای فهرست نگرانی‌های آن‌ها قرار دارد.

اهمیت این انتخابات بسیار بالاست. اگر PAS اکثریت را حفظ کند، مولداوی می‌تواند به اصلاحات دشوار برای پیوستن به اتحادیه اروپا ادامه دهد اما در صورت از دست رفتن اکثریت، ترکیب ائتلاف‌ها ممکن است به تشکیل دولتی فلج در برابر کارشکنی‌ها یا حتی دولتی مجبور به تقسیم قدرت با نیروهای همسو با روسیه منجر شود.



توماس دوال

کارشناس قفقاز

در هشتم ماه اوت، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در کاخ سفید برای آنچه که به‌عنوان «نشست تاریخی صلح» تبلیغ می‌کرد، میزبان رهبران ارمنستان و آذربایجان بود. همانند تلاش‌های پرسروصدا و ناموفق رئیس‌جمهور آمریکا برای ایجاد صلح میان روسیه و اوکراین، این نشست ممکن است ولخرجی گزافی به‌نظر برسد. بالاخره بیش از ۳۰ سال است که این دو کشور قفقاز جنوبی دشمنان سرسختی بوده‌اند. آنها در دو جنگ با یکدیگر مبارزه کرده‌اند و شهروندان‌شان به‌طور مشابه در روایت‌های تاریخی تخصمی عمیق غرق شده‌اند. درست دو سال پیش، آذربایجان قاطعانه کنترل منطقه مورد مناقشه ناگورنو-قره‌باغ را به دست گرفت و بیش از ۱۰۰ هزار ارمنی بومی را مجبور به فرار کرد.

با این حال ترامپ در این مورد، بیشتر از روی شانس تا از روی مهارت، شاید نتوانسته باشد موضوعی که اهمیت ویژه‌ای دارد را با موفقیت به سرانجام رسانده باشد. پس از ماه‌ها مذاکرات دو‌جانبه بین این دو کشور، فرصت رسیدن به یک پیمان صلح موقت رسیده بود. به‌طور یقین، هر دو طرف نمی‌خواستند روسیه، هژمون سنتی منطقه، به‌عنوان ضامن یک توافق عمل کند و به همین ترتیب پیشنهاد ترامپ برای میزبانی نشست صلح به‌طور ویژه‌ای جذاب نشان داده شد. اگر بخواهید تعهدات خود با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه را بشکنید، اتاق بیضی (کاخ سفید) مکان خوبی برای شروع است. نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان و الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان در کاخ سفید قطعنامه‌ای کوتاه اما معنادار را امضا کردند و برای جلوگیری از درگیری بیشتر به توافق رسیدند. آنها همچنین در یک متن ۱۷ موردی از آنچه ناظران «توافق صلح» می‌خوانند که روابط دیپلماتیک و سیاسی را پس از سال‌ها درگیری عادی‌سازی می‌کند، حرف اول نام‌های خود را نوشتند اما آن را امضا نکردند. آنها به‌طور مشترک طرحی را برای اتصال جاده و ریلی که آذربایجان را به نخجوان متصل می‌کند، امضا کردند؛ نخجوان، سرزمینی متعلق به آذربایجان که با ارمنستان، ایران و ترکیه هم‌مرز است. ارمنستان حق توسعه این کریدور حمل و نقل ۴۳ کیلومتری در سراسر منطقه خود را به یک کمپانی آمریکایی داده و در عین حال حق مالکیت این گذرگاه را برای خود حفظ کرده است؛ گذرگاهی که قرار است «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» نامیده شود و آذربایجان به‌ازا نخجوان «دسترسی نامحدود» داشته باشد. قابل توجه است که این طرح که به «کریدور ترامپ» یا TRIPP نیز شناخته می‌شود، جایگزین توافقی می‌شود که در سال ۲۰۲۰ بین علی‌اف، پاشینیان و پوتین بسته شده بود و براساس آن روسیه کنترل این مسیر را به دست گرفته بود.

به دلایل مختلف، هم دولت آذربایجان در باکو و هم همتای ارمنی آن در ایروان مشتاق‌اند تا خود را از چنگال مسکو رها کنند. دولت ترامپ به نوبه خود مشتاق است تا ضامن توافقی شود که تاحدی دارای مزیت احتمالی تجاری برای ایالات متحده است اما بیشتر به این دلیل است که یک توافق صلح ماندگار جلایی برای ادعای ترامپ مبنی برای صلح‌ساز جهانی است. اما چارچوب صلحی که در ماه اوت به کاخ سفید رسید همچنان شکننده است. این توافق فقط در صورتی موفق می‌شود که ایالات متحده اجرای کریدور ترامپ را به سرانجام برساند و به بازگشایی مسیرهای دیگری که به‌دلیل درگیری بسته شده بودند، کمک کند. برای این اقدام، آمریکا باید با ارمنستان، آذربایجان و ترکیه همکاری کند تا بودجه و ساخت دیگر مسیرهای ارتباطی در زنجیره حمل و نقل شرق و غرب در سراسر سه کشور را تأمین کند و در نتیجه کریدور ترامپ را نه‌فقط به یک پروژه محلی بلکه به یک بزرگراه بین‌المللی تبدیل می‌کند.

ایالات متحده همچنین نیاز دارد هم از نظر سیاسی و هم برای تأمین بودجه با اتحادیه اروپا که بسیار بیشتر از واشنگتن در قفقاز جنوبی سرمایه‌گذاری می‌کند، از نزدیک همکاری کند. حمایت اروپایی‌ها در پایدار ماندن صلح بین ارمنستان و آذربایجان مهم است. طبیعتاً مسکو می‌خواهد نزدیکی روابط باکو و ایروان با میانجی‌گری آمریکا شکست بخورد. اما اگر واشنگتن و شرکای اروپایی‌اش برای اجرایی کردن این پیمان ترانزیتی پیچیده در تعامل باقی بمانند و بر مشکلاتی که بر اثر عوامل داخلی و خارجی به‌طور اجتناب‌ناپذیری ظهور خواهد کرد، غلبه کنند، قفقاز جنوبی در نهایت می‌تواند از چرخه درگیری خارج شود؛ چرخه‌ای که دهه‌هاست آن را عقب نگه داشته است.

► به سمت غرب

پیمانی که در کاخ سفید طراحی شد بازتابی از فوریت آذربایجان به‌عنوان بازیگر غالب در قفقاز جنوبی است. این واقعیت جدید برای اولین بار پس از جنگ دوم

FOREIGN AFFAIRS

به دلایل مختلف، هم دولت آذربایجان در باکو و هم همتای ارمنی آن در ایروان مشتاق‌اند تا خود را از چنگال مسکو رها کنند. دولت ترامپ به نوبه خود مشتاق است تا ضامن توافقی شود که تاحدی دارای مزیت احتمالی تجاری برای ایالات متحده است اما بیشتر به این دلیل است که یک توافق صلح ماندگار جلایی برای ادعای ترامپ مبنی برای صلح‌ساز جهانی است. اما چارچوب صلحی که در ماه اوت به کاخ سفید رسید همچنان شکننده است

ناگورنو-قره‌باغ آغاز شد که در سال ۲۰۲۲ ارمنستان و آذربایجان طی ۴۴ روز جنگیدند. پس از سال‌ها بن‌بست دیپلماتیک، آذربایجان در همان سال، جنگ خود با ارمنستان را دوباره از سر گرفت و توانست تمام اراضی اطراف ناگورنو-قره‌باغ را که در سال‌های ۱۹۹۰ از دست داده بود، بازپس بگیرد. زمانی که مسکو در جنگ سال ۲۰۲۰ میجانی آتش‌پس شد، ناگورنو-قره‌باغ به خودی خود یک نهاد دوفاکتوی خودکار تحت کنترل ارمنستان باقی ماند اما برای امنیت خود به یک نیروی اعزامی حافظ صلح روسی جدید وابسته بود.

با این حال، در سال ۲۰۲۳، ارمنستان که در دفاع از این منطقه ناتوان بود و در شرایطی که روس‌ها هم سرگرم جنگ خود در اوکراین بودند، نیروهای آذربایجانی از این فرصت استفاده کردند تا کنترل ناگورنو-قره‌باغ را به‌دست آورند. تقریباً شبانه، تمام جمعیت باقی‌مانده ارمنی که در آنجا زندگی می‌کردند، فرار کردند. در آستانه پیروزی در این میدان جنگ، علی‌اف که از سال ۲۰۰۳ رئیس‌جمهور قدرتمند آذربایجان شده بود، درباره یک توافقنامه صلح با ارمنستان مذاکره کرد اما برای نهایی کردن آن ظاهراً هیچ عجله‌ای نداشت. او مطمئن بود که کشورش در موازنه قدرت منطقه‌ای دست بالاتر را دارد. علی‌اف در سراسر دوران صدارتش به‌طور ماهرانه‌ای روابط آذربایجان با روسیه را که از نظر تاریخی مدت‌هاست متحد ارمنستان به‌شمار می‌رود، مدیریت کرد. در سال ۲۰۲۲، دو روز قبل از آنکه کرملین به اوکراین حمله کند، علی‌اف یک پیمان بین دوکشوری را امضا کرد. در اوت ۲۰۲۴، پوتین حتی به آذربایجان سفر کرد. اما از آن زمان، روابط باکو با مسکو به‌شدت وخیم شد. در ۹ ماه گذشته به‌ویژه، علی‌اف نسبت به روسیه محتاط‌تر شده و بیشتر به سمت صلح با ارمنستان پیش رفته است.

مشکلات در ماه دسامبر سر باز کردند؛ زمانی که یک موشک روسی به اشتباه به یک هواپیمای مسافربری آذربایجانی بر خورد کرد و ۳۸ سرنشین غیرنظامی آن کشته شدند. وقتی که پوتین عذرخواهی نکرد، علی‌اف به‌طور غیرمنتظره‌ای رک و روراست روسیه را سرزنش کرد و گفت که مسکو تلاش کرد تا روی این موضوع سرپوش بگذارد. سپس، این تابستان، پوتین سرگئی کرینکو، فردی تندرو در کرملین را که پیشگام سیاست کرملین برای یکپارچگی مناطق اشغالی اوکراین به روسیه بود را مسئول روابط با کشورهای قفقاز جنوبی کرد. در ماه ژوئن، در آنچه که یک اقدام تحریک‌آمیز حساب‌شده به‌نظر می‌رسید، پلیس در شهر روسی



مسیر غیرمحتمل صلح

چگونه هدف مشترک آذربایجان وارمنستان

یکاتریننبورگ آذربایجانی‌های محلی را جمع کرد و آنها را به جنایاتی متهم کرد که دو دهه قدمت داشتند. دو آذربایجانی کشته شدند. علی‌اف بسیار خشمگین شد، سفر مقامات رسمی روسیه و برنامه‌های فرهنگی را لغو کرد و یک کمپین رسانه‌ای برای متهم کردن روسیه به نئوفاشیسم راه انداخت. تمام این موارد نشان می‌دهند که رهبر آذربایجان حالا مصمم است که مسکو را خارج از توافق منطقه‌ای جدید نگه دارد.

ارمنستان هم به‌طور قابل توجهی با روسیه مشکل دارد که موجب همگرایی تاکتیکی منافع این کشور با آذربایجان می‌شود. روسیه از زمان تزارها، وفاداری ارمنستان را با وعده دفاع از آن با حمایت نظامی پایدار مقابل امپراتوری عثمانی (و سپس مقابل جانشین آن، ترکیه) تضمین کرده است. اما مسکو اخیراً به‌طور مکرر هیچ کمکی به ارمنستان برای دفاع از خود نکرده است، درست مثل زمانی که در سال ۲۰۲۲ پس از حمله فرامرزی آذربایجان در داخل ارمنستان روسیه از تعهد به پیمان خود برای دفاع از ارمنستان سرباز زد. پاشینیان به‌طور فزاینده‌ای نسبت به اعتبار مسکو به‌عنوان یک متحد تردید دارد و در سال ۲۰۲۴ مشارکت ارمنستان در «سازمان پیمان امنیت جمعی»، بلوک امنیتی به رهبری روسیه را به حالت تعلیق درآورده است. او در عوض برای جلب حمایت سراغ ایالات متحده و اروپا رفت. در ماه ژانویه، کمی قبل از آنکه ترامپ روی کار بیاید، دولت ارمنستان یک پیمان همکاری استراتژیک با دولت بایدن را امضا کرد که وعده روابط تجاری و سیاسی نزدیک‌تر را می‌داد و پارلمان ارمنستان در ماه مارس قانونی را تصویب کرد که از دولت می‌خواهد عضویت این کشور در اتحادیه اروپا را پیگیری کند.

این امر باعث شد روسیه گام‌های آشکارت‌ری برای بی‌ثباتی دولت پاشینیان بردارد. در ماه ژوئن، پاشینیان اعلام کرد که نقشه‌ای برای برکناری دولت او را خنثی کرده است. مقامات ارمنی مسکو را مستقیماً مقصر ندانستند اما یکی از تاجران برجسته روسی در ایروان به نام ساموئل کاراپتیان را دستگیر کردند. در اقدامی هیجان‌انگیزتر، دو اسقف ارمنی که با روسیه در ارتباط بودند، بازداشت شدند. دولت ارمنستان شواهد این نقشه از جمله مخفیگاه سلاح‌هایی که کشف شدند را عمومی کرد.

تمایل پاشینیان برای رویارویی با کلیسای ارمنی که از نظر سنتی به مسکو نزدیک بودند، نشانه‌ای از آن بود که او برای گسست وابستگی تاریخی ارمنستان با